



بسم الله الرحمن الرحيم

کند می درک کسی . است حجاب در آن درک از آن اهل غیر و ، چیست که کند می درک آن اهل را فراق ،
بدارد دوست کلمه معنی به را او و ، آید نایل متعال خدای محبت به مجاهدت قدم با که چیست فراق ،
. چیست فراق فهمد می "واله حبُّم" یعنی

چشید خواهد را چون تو تلخ فرقت دید تو روی که آن بر کن رحم

مکن این ولیکن کن خواهی چه هر سخن گویی می تلخ فراق از

(مثنوی پنجم دفتر)

در آن شرح نه . چیست که بدهد شرح را فراق است محجوب که کسی برای تواند نمی "واله حبُّم" آید می بر محجوب از آن هضم و درک نه و ، گنجد می مفاهیم و الفاظ قالب

فراق داستان تو با دهم شرح گرنه و فراق بیان سر ندارد خامه زبان

(حافظ)

هلاک ، نباشد وصال امید اگر و ، ترسند می سخت آن از ، چیست فراق فهمند می که "تَّحِبُّ مَحَبَّةَ اللَّهِ فِي الْوَالِدِينَ"
گردند می .

هلاک بیم استُ هجر از دم هر گرنه و دارد می زنده تو وصال امید مرا

(حافظ)

اگر و ، خورد می چشم به وضوح به آنان افعال و اقوال در و حینُ حالات در ، هجران و فراق خوف
از آنان شدید بسیار خوف یعنی ، تَّحِبُّ مَحَبَّةَ اللَّهِ فِي الْوَالِدِينَ ، باشیم نشنیده و ندانسته را آنان تَّحِبُّ مَحَبَّةَ اللَّهِ فِي الْوَالِدِينَ
از بعضی است آنان بارزات خصوصیه جمله از این که ایم دانسته و ، ایم شنیده را هجران و فراق

(150-151 ، صص محبت رساله کتاب از گرفته بر)